

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۵ دسمبر ۲۰۲۱

برداشت طالب از "عدالت اسلامی!" "که را زور داد که ظلم نکرد، که را پول داد که سود نخورد" (۱)

شنبه - ۱۳ قوس ۱۴۰۰ - کابل: این که افغانستان را گورستان امپراتوری ها معرفی می دارند، در بهترین صورت شاید بتواند قسمتی از واقعیت را بازتاب دهد، واقعیت کامل آن است که افغانستان در مقاطع مختلف تاریخ از زمان باستان تا امروز بارها گورستان بسیاری از ارزش های مثبت اجتماعی، علم، دانش، آزادی و آزادی و ... نیز بوده است که با تأسف مؤرخین و واقعه نگاران کمتر بدان توجه نموده اند.

یکی از مواردی که افغانستان را به یک گورستان و یک باتلاق متعفن مبدل نموده، برخورد زمامداران افغانستان در قبال اندیشه ها و افکار و ایدئولوژی ها و سیستم های اداری و دولتی بوده است. آنها کلاً وقتی به قدرت گماشته شده اند، در پناه هر ایدئولوژی و طرز تفکری که اداره آنها بنیان گذاشته شده است؛ نخستین عمل این زمامداران بدنام ساختن، و به آماج نفرت همگان مبدل ساختن همان طرز تفکر و ایده بوده است. مثلاً:

وقتی باند های خلق و پرچم در پی کودتای خونبار و ضد ملی ۷ ثور ۱۳۵۷ بر اریکه قدرت گماشته شدند، علی رغم این که آنها در پیوند با شوروی قرار داشتند و شوروی بر مبنای تاریخش، نه وضعیت همان زمانش، بر پیشانی اش مهر "رژیم کمونیستی" را حمل می نمود و اداره باند های حاکم هم می بایست بر مبنای ساختار سوسیالیستی حاکمیت، از طریق شورا های کارگری، دهقانی و سایر اصناف ضد ارتجاعی و ضد استعماری شکل می گرفت، رهبران خلق و پرچم، با تمرکز قدرت به دست چند صد عضو حزب که همه به علاوه داشتن قلاده بردگی روس ها بر گردن شان، نه تنها هیچ گونه اعتقادی به کمونیسم به مثابه علم رهایی پرولتاریا نداشتند، بلکه آگهی رهبران و کادر های شان از کلیت "مارکسیزم-لنینیسم" از سه الی ۴ جلد کتاب ترجمه "حزب توده ایران" فرا تر نمی رفت و با استفاده از ارتش برجای مانده از رژیم قبلی، به سرکوب توده های میلیونی کشور آغاز نموده در کمترین زمان ممکن، در کل به اندیشه مترقی و مارکسیزم - لنینیسم چنان ضرباتی وارد نمودند، که امپریالیسم امریکا و ارتجاع هار منطقه در طی دهه های گذشته نتوانسته بودند، آنچنان ضرباتی وارد نمایند. عملکرد این باندهای مزدور و فرومایه و دشمن ترقی و پیشرفت کشور، چنان جنایتکارانه و ضد انسانی بود، که در انظار مردم عوام و حتا تعداد کثیری از آن عده روشنفکرانی که با وجدان

مذهبی شان تصفیۀ حساب ننموده بوده و درک درست و کاملی از مارکسیسم- لنینسم نداشتند، کمونیسم مساوی با جنایت، آدمکشی و وطنفروشی تلقی گردید.

هرگاه بازۀ زمانی حاکمیت جهادپرست ها و طالب را بگذاریم به سومین مرحله یعنی زمان حاضر و بحث مان را از دو دهۀ حاکمیت مدافعان دموکراسی بورژوازی ادامه دهیم، می بینیم که عملکرد این منادیان آزادی و دموکراسی و لیبرالیسم اقتصادی نیز در بد نام ساختن دموکراسی و مقلوب ساختن مفهوم حاکمیت مردم بر مردم، آنقدر عمیق و گسترده بوده که امروز نزد میلیونها تن از مردم افغانستان دموکراسی لیبرال یعنی دزدی، اختلاس، ترویج سیستماتیک فحشاء، وطنفروشی، تشدید تضاد های قومی، مذهبی، زبانی و منطقه ئی و در نهایت فرار طلبی و مردم را در کام نهنگ انداختن، معنا و مفهوم پیدا نموده است. یعنی به همان سان که کلاهیرواران وابسته به باند های خلق و پرچم، جهت تأمین منافع مادی خودشان، مارکسیسم و کمونیسم را به چهار میخ کشیده، با سوء استفاده از نادانی و عقبماندگی مردم آن را در باتلاق و رسوائی غرق نمودند، مدافعان دموکراسی لیبرال نیز در معرفی معکوس حاکمیت مردم و در کل دموکراسی بورژوائی، از آنها عقب نمانده، این ساختار را چنان بد و مفتضح معرفی نمودند، که بقایای استخوان های از هم پاشیده پدران آن را در گور های شان به لرزه در آورده اند.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!